

معرفی کتاب

ادیان آسیایی

به انگیزه چاپ مجدد

• حجت الله جوانی



• ادیان آسیایی

• مهررداد بهار

• ویراسته ابوالقاسم اسماعیل پور

• نشر چشمه، چاپ چهارم، ۱۳۸۲

طبقات اجتماعی سه‌گانه و نوعی سلطنت در آن نظام اجتماعی، جابه‌جایی عظیم تاریخی آنها در دومرحله، ۳۵۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد و نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد، و عزیمت به سمت جنوب تا ایران و هند می‌پردازد. از تأثیر متقابل فرهنگ آسیای غربی و هند و اروپایی در اثر تلاقی بایکدیگر سخن می‌رود و اهمیت این تأثیر از نگاه مؤلف و دین پژوهش‌موند به

دقت مطرح می‌شود. در واقع نظریه خاص مؤلف این گونه‌بین می‌شود: «هیچ دو مجموعه اساطیری و آیینی که در کنار هم قرار بگیرند نمی‌توانند بر یکدیگر بی اثر بمانند.» (ص ۳۱). لذا بر شناخت تأثیر آن آمیزش‌ها و شناخت عناصر مرکبه هر یک از آنها برای شناخت تاریخ تطور اندیشه یک قوم تأکید می‌ورزد (همان جا). مؤلف سپس به بحث شناخت ساختار کل تفکر اسطوره‌ای دینی در فرهنگ هند و اروپایی و هند و ایرانی می‌پردازد. پژوهش‌های ژرژ دومزیل در خصوص ساخت‌های پیشرفته طبقاتی و سازمان‌های سیاسی و متکی بر کشاورزی جوامع نخستین هند و اروپایی مشخص می‌سازد که «هند و اروپاییان اعصار باستان جامعه‌ای سازمان یافته داشته‌اند... و تحولات بعدی اساطیر هند و اروپایی زیر تأثیر تمدن‌های پیشرفته مدیترانه و آسیای غربی بوده است.» (همانجا). نویسنده به روش تحقیق دومزیل که روش تاریخی بایبهره‌گیری از علوم جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ریشه‌شناسی است اشاره می‌کند و نظریه دومزیل را در باب ایدئولوژی ساختمان سه‌بخشی (فرمانروایی، رزم‌آوری و تولید اقتصادی) مطرح می‌سازد که در قالب ورونه - هومنه، ایندره - خشتره، آشونین‌ها - آمورتات و هئورتات قابل تبیین است. به عقیده دومزیل این ایدئولوژی سه‌ساختی فقط هند و اروپایی است و در تمدن‌های کهن آسیای غربی، دره نیل، چین و نقاط دیگر جهان باستان همانندی ندارد. در ادامه بحث «زمینه‌های مشترک اساطیری هند و اروپایی» بررسی می‌شود و استاد بهار نکات مشترک دیگری را در اساطیر هند و اروپایی، علاوه بر نظریات دومزیل

مرحوم دکتر مهررداد بهار از نام‌آوران عرصه دین‌پژوهی، خصوصاً ادیان ایران پیش از اسلام به شمار می‌آید. پژوهش وی درباره اساطیر ایران جزو آثار بی‌بدیل و حائز اهمیت فراوان است. عشق به ایران از خصوصیات برجسته وی بود که در آثارش نیز هویداست.

کتاب ادیان آسیایی، شامل سه گفتار مستقل

درباره ادیان آسیایی و عهد باستان، تحریری از دروس استاد بهار برای دانشجویان رشته ادیان است. یادداشت‌ها و توضیحات آخر هر گفتار و تنظیم فهرست‌مآخذ هر بخش را ویراستار، دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، به عهده داشته است. بخش هشتم از گفتار نخست، «دین مسیحی در ایران»، تقریر دکتر بهار و تحریر ویراستار اثر است. همچنین بخشی از گفتار سوم را نیز به احتمال قوی یکی از دانشجویان گروه ادیان دانشگاه تهران فراهم آورده است. (به گفته ویراستار).

ادیان آسیایی مشتمل بر سه گفتار و هر گفتار شامل چند بخش است. گفتار نخست، «دین در ایران باستان»؛ گفتار دوم، «ادیان هندی»؛ و گفتار سوم «ادیان آسیایی» در روم پیش از مسیحیت.

بخش نخست از گفتار نخست به مبحث «هند و اروپاییان، بومیان آسیای غربی و عقاید دینی ایشان» اختصاص یافته است. به عقیده مؤلف، شناخت تاریخ دین در ایران پیش از مسیحیت به بررسی فرهنگ و اعتقادات بومی آسیای غربی و مشخصات عمومی دینی هند و اروپایی نیازمند است. نویسنده ضمن تبیین حدود فرهنگ بومی آسیای غربی، «از رود سند، ترکستان، چین، فلات پامیر در شرق تا شرق دریای مدیترانه در غرب»، به تأثیر عمیق آسیای غربی بر یونان و مصر و تأثیرپذیری متقابل از آنها اشاره می‌کند (ص ۱۶). پس از تأثیر تمدن بین‌النهرین بر تمدن‌های نیل، آسیای میانه، شمال چین، آسیای صغیر، بالکان، دره سند و مصر سخن می‌گوید. در ادامه به پیشینه زیستی هند و اروپاییان، دستاوردهای تمدنی آنها، ساخت

این شکل و ساختار با این اسطوره‌ها در اساطیر هند و ایرانی و هند و اروپایی وجود نداشته است (ص ۳۸).

بخش دوم از گفتار نخست به «دین زردشتی و دین کتیبه‌ها» می‌پردازد. بحث درباره محتوای عقیدتی گاهان (گاتا)، دو اصل اشته و دروغ، اهوره مزدا حامی اشته و اهریمن حامی دروغ، ویژگی‌های اهوره مزدا (ص ۴۲)، تصویر جهان مرکب از دو بخش مادی و معنوی (ص ۴۳) و وصف «انسان» (همانجا) در این قسمت مطرح می‌شود. مؤلف سپس به تبیین دین زردشتی نو، اوستای غیر گاهانی و ادبیات دینی پهلوی می‌پردازد. این تبیین با رجوع به یسنه‌ها، یشت‌ها و وندیداد صورت می‌پذیرد. نکته حائز اهمیت در این قسمت، تبیین تحولات در دین زردشتی نو است: اهوره مزدا از موقعیت یکتایی سقوط می‌کند و با سپند مینو یکی می‌شود؛ پس از اهوره مزدا، هفت امشاسپند (بی‌مرگان برکت بخش) وجود دارند؛ کماله یعنی دیوان در برابر امشاسپندان قرار دارند. در این دوره ایزدان مهم، مهر، ناهید، بهرام، تیشتر، وای و سروش‌اند. مؤلف سپس به کتیبه‌های متأخر هخامنشی در این دوره اشاره می‌کند که دارای همان ساختار کتیبه‌های متقدم هخامنشی‌اند. در این قسمت مقایسه‌ای میان گاهان با اوستای نو: دو بن صورت می‌گیرد. از مقایسه کتیبه‌های متقدم (۴۰۰-۵۵۰ پ م) با کتیبه‌های متأخر (۳۳۰-۴۰۰ پ م) این نتایج به دست می‌آید: هخامنشیان زردشتی نبوده‌اند. دین زردشتی از نیمه دوم شاهنشاهی هخامنشی نه تنها در ایران بلکه در آسیای صغیر رواج یافت؛ هر چند دین زردشتی و دین هخامنشی یکی نیست، موارد تشابه و پیوندهای ژرف وجود دارد (ص ۹-۴۸). سپس دین‌های زردشتی و کتیبه‌ای، با دین‌های بین‌النهرینی مقایسه می‌شود. از تشابه اهوره مزدا با انکی سومری (ص ۵۱) و آ (Ea) بابلی، که هر دو خدای خرد، هستی آفرین و داور و دادگرند، سخن به میان می‌آید.

بخش سوم از این گفتار به «دین زردشتی در دوره ساسانی» می‌پردازد. ساسانیان در پی اقتدار روحانی بابک و اردشیر بابکان که مظهر سه نیروی اجتماعی روحانیت، فرمانروایی و تولیدند، به ترویج و احیای دین زردشتی پرداختند.

ویژگی‌های این دین در این دوره چنین است: به عوض تثلیث گاهانی «هرمزد - سپندمینو - اهریمن» و ثنویت اوستای جدید «هرمزد - اهریمن»، به تثلیث تازه‌ای می‌رسیم: «زروان - هرمزد - اهریمن». نویسنده رویکرد تطبیقی خویش را دوباره پی می‌گیرد و به شخصیت زروان و اهمیت وی خارج از دین زردشتی و پیوند نزدیک او با اساطیر باستانی آسیای غربی می‌پردازد. به گفته نویسنده، زروان را با پرچاپتی در هند و کروونوس در یونان می‌توان مقایسه کرد (ص ۵۶). وی سپس توضیحات مفصلی درباره زروان می‌دهد (ص ۵۷-۶۰).

بخش چهارم به بررسی آیین‌های زروانی در ایران می‌پردازد. این بخش از آن جهت حائز اهمیت است که در کتب مربوط به شناخت ادیان اهتمام جدی به این بحث صورت نمی‌گیرد. حال آن‌که به جهت تحولات دین شناختی، مطالعه آیین‌های زروانی در ایران ضروری است (ص ۶۰-۷۳).

بخش پنجم به معرفی «آیین گنوسی» اختصاص دارد. این بخش یکی از بخش‌های بسیار مهم و خواندنی کتاب ادیان آسیایی است. زیرا نویسنده

مطرح می‌کند، از جمله: ۱. وجود بن‌پدرسالارانه اساطیر هند و اروپایی. خدایان بزرگ هند و اروپایی، رومی، نردی همه‌نرینه‌اند (ص ۲۵). پدرسالارانه بودن اساطیر هند و اروپایی و پیوند آن با اقتصاد متکی به شبانی؛ ۲. وحدت پدرسالارانه اساطیر هند و اروپایی: دینوس - پدر در هند، زئوس - پدر در یونان و ژوپیتز در روم؛ ۳. اهمیت و بزرگداشت آتش در اساطیر هند و اروپایی: آگنی در وداها، آذر در ایران، هستیا در یونان، وستا در روم؛ ۴. خدایان هند و اروپایی دارای مظاهر مادی نظیر بت نیستند؛ ۵. اعتقاد یا اشاره به جادو؛ ۶. اشتراک اصطلاحات و طبقات سه گانه روحانی، جنگاور و تولیدکننده.

در ادامه بخش نخست «زمینه‌های مشترک اساطیری در فرهنگ بومی آسیای غربی» مطرح می‌شود. در این بخش ضمن اشاره به قدمت فرهنگ بومی آسیای غربی، از ویژگی‌های مشترک آن سخن می‌رود. برخی از این ویژگی‌ها چنین است:

۱. ستایش بسیار گسترده الهه مادر در ادوار پیش از تاریخ. اما با گذشت سده‌ها و تطور امور اجتماعی، اعتقادات بین‌النهرینی از نیمه دوم هزاره دوم پیش از مسیح تغییر کرد. نظام پدر سالارانه جایگزین نظام مادر سالارانه شد و تقسیم خویشکاری بین خدایان از میان رفت و تمام قدرت به دست یک خدا افتاد. از این رو، تحولی عظیم به سوی اعتقاد به وحدت در جهان خدایان و یکتاپرستی روی داد؛ ۲. مشاهده آشوب نخستین در جهان خدایان، در اساطیر آسیای غربی؛ ۳. اعتقاد به اصل واحد خدایان و دیوان؛ ۴. اعتقاد به ایزد بانوی نیرومندی که بازمانده الهه مادر قدیم و مظهر باروری و عشق و جنگ است: ایشتر، اینانا، آنت، آفرودیت، هرا، ناهید، سرسوتی؛ ۵. اعتقاد به خدایان باران آور که خدایان قضایی‌اند و رعد و برق را در اختیار دارند.

سپس فرارسیدن آریاییان به دره سند و ایران و تحولات دینی ناشی از آن بررسی می‌شود. حرکت گروه بزرگی از آریاییان به سمت جنوب و ورود به دره سند و نجد ایران و تحول در اعتقادات آنان حائز توجه است. در ابتدا هندیان و ایرانیان دارای دو گروه خدایان بودند: آسوره (= اهوره) و دیوه. نیروهای شر به صورت مشخص در این اساطیر وجود نداشت اما نیروهای پلید به نحوی پراکنده حضور داشتند. تحول یکسان و اساسی در هر دو منطقه، ظهور دو گروه خدایان و ضد خدایان است. هر دو گروه از خدایی واحد، خدا - پدری قدیم، به وجود آمده‌اند. در سند آسوره‌ها به دیوان، و در ایران دیوه‌ها به دیوان تبدیل می‌شوند. به عقیده مؤلف، این تحول تازه و ناهماهنگ فقط در پرتو نظریه اشاعه و وامگیری قابل توجیه است: تأثیر فرهنگ‌های آسیای غربی بر دره سند و نجد هند و ایران و تلفیق ادیان بومی و دین آریایی نخستین.

یکی از مباحث جالب توجه در این گفتار، آیین دو بن (دو آلیسم) در فرهنگ آسیای غربی است. در اساطیر آسیای غربی، دوگانگی و تقابل جهان خدایان و جهان ضد خدایان، دیوان و خدایان، ارواح نیک و بد مشاهده می‌شود. ارواح نیک و بد از سرچشمه‌ای واحد پدید آمده‌اند: غول - خدا، یا خدا - پدر یا پدر و مادر نخستین دیوان و خدایان. به گفته مؤلف، رشد نوعی دوگانه پرستی خدایان و ضد خدایان در وداهای هند و تفکر دوگانه پرستی در ایران، از دوگانه پرستی موجود در آسیای غربی ملهم است. زیرا امری به

اعتقادات ودایی درباره جهان و منشا آن، خدایان ودایی، ادوار دینی وادها، خدای بزرگ ودایی، خدایان گروه‌ها، آفرینش آیین‌ها، خدایانش، فرجام‌شناسی، اوبانیسدها، اسطوره‌های برهنی، آیین بودا، فرضیه رنج جهانی، سه رکن آیین بودا، نیروانه، تراوده و مهیانه، آیین جینی، دوره حماسی، بهاگوانه و آیین شیوایی اشاره می‌شود. در این بخش که در واقع گزارشی مختصر درباره ادیان هندی است خواننده اطلاعاتی اجمالی در این‌باره کسب می‌کند، هر چند به برخی از مکاتب فلسفی - دینی هند و جریان‌های اصلاحی سده‌های معاصر تفکر هندوی پرداخته نشده است. گفتار سوم «ادیان آسیایی در روم پیش از مسیحیت» را طرح می‌کند. ابتدا به سهم یونان در تفکر آسیای غربی اشاره می‌شود. مسائلی نظیر ورود اسکندر به آسیا، فتح آسیای غربی، تلفیق فرهنگی در غرب آسیا و مصر، نزدیکی فرهنگ‌های آسیای غربی، مصر، یونان و روم بررسی می‌شود. مطالبی در خصوص شناخت یونان، از عصر اسکندر، و مرحله‌ای که اندیشه‌های قومی به‌اندیشه‌های بشری عام تبدیل شدند و قابلیت پذیرش جهانی یافتند، ارائه می‌شود. به سوفسطائیان، عقاید سقراط، افلاطون، کلیان، فروپاشی دولت شهرهای کهن یونانی، تضعیف قوم گرایی محدود اهالی دولت شهرها و جانشین کردن مفاهیم کلی‌تر انسانی، بزرگداشت خرد، کنار نهادن عناصر قومی و طبقاتی، رواقیون و صلاهی آزادی کیفیت درونی و هلنیسم اشاراتی می‌شود (ص ۲۱۳). به نظر نویسنده، رواقیان مروج جامعه‌ای بشری و نه قومی قبیله‌ای بودند و وحدت مطلوب اسکندر بین اروپا و آسیا ناشی از همین باور بود.

در این اثر، مراحل فرهنگ یونانی به چهار مرحله تقسیم شده است: ۱. پیش از اسکندر به صورت فرهنگی ملی؛ ۲. بعد از اسکندر به عنوان فرهنگی جهانی و غیر دینی؛ ۳. هلنیسم متأخر، به صورت فرهنگی دینی ولیکن شرک آلود؛ ۴. تمدن بیزانس، به صورت فرهنگی یونانی و مسیحی. در مرحله دوم تلفیق فرهنگ یونانی با تفکرات شرقی محسوس است (ص ۲۱۶). در مرحله سوم شاهد روی آوردن به تفکر دینی تسنن‌های کهن شرقی هستیم که با عنصر تفکر یونانی آمیخته است و کار غیر یونانیان در شرق است.

یکی از بخش‌های حائز اهمیت کتاب، همین بخش است. مؤلف بر آن است تا سهم ادیان آسیایی را در روم و تأثیر آنها بر عقاید روم قبل از مسیحیت را آشکار سازد. این مطلب نیز از مطالبی است که در حوزه‌های دین پژوهی ایرانی از قلم افتاده است.^۱

در این بخش مؤلف به تحولات عمده آسیای غربی در هزاره نخست پیش از مسیح اشاره دارد: یکتا پرستی جهانی، اهمیت ستاره‌شناسی و احکام نجوم و تأثیر آنها در سرنوشت انسان، عقیده به دو آلیسم خیر و شر و اعتقاد به جزای اخروی بر حسب انجام خیر و شر در حیات دنیوی. نمونه‌هایی از این تحولات در ادیان آن دوره عبارت است از: تحول دین یهود از دینی قومی به جهانی در اثر تبعید بابلی (فصل دوم اشعای نبی)؛ تحول دین بابلی از دین قومی به دینی با خدای متعال و مجرد؛ و گسترش مهرپرستی از مرزهای قومی ایرانی به دینی قابل پذیرش در سراسر امپراتوری روم (ص ۲۱۸-۲۱۹). مشخصه هزاره نخست پیش از میلاد، تحول ادیان سنتی

به آیینی می‌پردازد که در نوشتارهای فارسی‌نادره گرفته شده است، حال آنکه تأثیر و محتوای این آیین تا عصر حاضر نیز قابل پژوهش است. به عقیده مؤلف، آیین گنوسی «تنها وحی و الهام نبود بلکه دین نجات و رهایی نیز بود» (ص ۷۴). در این دین از آزادی روح به یاری آگاهی بر وحی الهی و حصول این آگاهی به یاری اجرای آیین‌نامه‌ها و به کار بستن قواعد جادوگرانه سخن می‌رود (ص ۷۵). از راز، تضاد ماده و روح، تأثیر عقاید گنوسی بر سایر ادیان، اصول عقاید گنوسی‌ها، متفکران معروف گنوسی، محکوم بودن نوع بشر و رهایی از آن با شهود و ایمان مطلق به شهود (=عقاید باز یلیدس) سخن به میان می‌آید و والتین و مرقیون (ص ۷۸-۸۱) معرفی می‌شوند. بخش ششم، معرفی آیین مانوی است. احوال مانی از تولد تارسات و وفات، تاریخ مانویان و آنچه که بر آنها رفته است از بهرام تاپیروزی اسلام و پس از آن در دوره خلافت عباسیان شرح داده می‌شود. همچنین به نفوذ این آیین به سمرقند، ترکستان شرقی و چین اشاره می‌شود.

مفاهیمی چون آفرینش جهان (ص ۸۶-۸۷)، جریان نجات (ص ۸۷-۸۸)، آفرینش انسان (ص ۸۸-۸۹)، راه رستگاری فرد (ص ۸۹-۹۰)، پایان جهان (ص ۹۰-۹۱) و مباحثی نظیر عیسی در دین مانی، معنای فضیلت در این آیین: نجات بخشیدن روشنی زندانی شده در جهان مادی (ص ۹۱)، مانویان و ترک دنیا و تقسیم‌بندی جامعه مانوی به گزیدگان و نیوشاگان، نظام جامعه مانوی، رهبری و گروه‌های مشخص، آیین‌های مانوی، برگزاری نماز، نیایش، روزه گرفتن، اقرار به گناهان و توبه و آثار مانوی مطرح می‌شود.

بخش هفتم به آیین مزدک اختصاص یافته است. مؤلف هر چند آیین مزدکی را نهضتی زردشتی - گنوسی و طرفدار تحولات اجتماعی معرفی می‌کند، به فقدان مدارک مزدکی و اتکا به نوشته‌های دیگران برای شناخت آنان اشاره دارد. به عقیده مؤلف، منابع ساسانی درباره آیین مزدکی بی‌طرفانه نیست و منابع اسلامی مثل شهرستانی، ابن ندیم و فردوسی واجد اطلاعات مفیدی درباره آیین مزدکی است. سپس به بی‌بهره نبودن مزدکی‌ها از عقاید گنوسی، تشابهات مزدکی با زردشتی در مسئله دوگانه پرستی و نزدیکی آنها با گنوسی‌ها در مسئله نجات اشاره می‌شود. در ادامه عقاید این آیین به تفصیل مطرح می‌شود (ص ۹۶-۱۰۲).

بخش هشتم به «دین مسیحی در ایران» می‌پردازد. در این بخش، گزارشی مختصر از حضور دین مسیحی در ایران ارائه شده است. تأثیر مسیحیت بر نیایش‌های مانوی، اشاره به مسیحیان در کتیبه زردشت، ادبیات مسیحی در متون پهلوی و سغدی، بخش‌های ششگانه اسقف نشین، رسمیت یافتن آیین زردشتی، وحدت دین و دولت در ایران، مشکلات جامعه مسیحی در نتیجه این امر، سرکوبی مسیحیان به دست دولت ساسانی و دخالت موبدان زردشتی در کشتار مسیحیان، انتقادات دوسویه مسیحیان و زردشتیان نسبت به یکدیگر، تحول در مسیحیت ایرانی و پیوستن به کلیسای نسطوری مطالب عمده مطرح شده در این بخش را تشکیل می‌دهد.

گفتار دوم به معرفی «ادیان هندی» می‌پردازد. در این قسمت ادیان هند به اختصار بررسی می‌شود و از دین وادها، تمدن دره سند، هند پیش از آریاییان، و شرایط جغرافیایی سرزمین هند سخن می‌رود. در ادامه، به



۲. نگرش تطبیقی و تاریخی مؤلف، این اثر را در میان آثار فراوان در حوزه مطالعات ادیان برجسته ساخته است. برخورداری از نظریه ویژه و کوشش برای نشان دادن مصادیق سازگار با آن در اساطیر و اعتقادات و ادیان و کشف تشابهات و تعاملات اساطیر و باورهای حوزه آسیای غربی با اساطیر و ادیان هند و اروپایی از ویژگی‌های مهم کتاب است.

۳. ویژگی سوم این اثر پیگیری و آشکار ساختن تحولات تاریخی در باورها و اساطیر دینی در ایران و هند از هزاره‌های پیش از میلاد مسیح تا برخورد عقاید ادیان آسیای غربی با عقاید آریایی و تأثیرات اولی بر دومی است. به عقیده مؤلف تفکر دوگانه‌پرستی در ایران و هند از تفکر دوگانه پرستی موجود در آسیای غربی ملهم است (ص ۳۸).

۴. تأکید نویسنده بر اهمیت روش و اسناد در دین پژوهی، از نکات حائز اهمیت است. برای مثال، مؤلف در خصوص دین زروانی بر آن است که چون مدرکی مشخص و مکتوب در وجود قطعی دینی به این نام در دست نیست و روایات و اشارات بسیار پراکنده‌اند، نمی‌توان از دین زروانی در ایران سخن گفت (ص ۶۱). یا به علت نبودن مدارک مزدکی و صرفاً وجود نوشته‌های اندک دیگران درباره مزدکیان، هنوز هم زروایی از این آیین ناشناخته باقی مانده است (ص ۹۴). انصاف و امانت داری علمی نویسنده در این تعابیر مشهود است.

۵. تأکید بر استفاده از زبان هر دین در شناخت آن. استاد بهار بر لزوم آشنایی با زبان یک دین برای مطالعه آن تأکید داشت. برای نمونه، وی به هنگام بحث درباره تحول دین زردشتی در دوره ساسانی متن‌های پهلوی را مورد توجه و استفاده قرار می‌دهد.

۶. یکی از نکات مورد توجه مرحوم بهار در شناخت ادیان توجه به جغرافیا و شرایط اجتماعی و اقتصادی و تأثیرات آنها در تحولات تاریخی ادیان است که در این اثر نیز قابل مشاهده است.

۷. بخشی از مباحث ادیان آسیایی اطلاعات جامع، تازه و مفیدی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. برای مثال، بخش «دین زردشتی و دین کتیبه‌ها» اطلاعاتی درباره تحولات دینی زردشتی، مباحثی درباره دین هخامنشی و معرفی «آیین گنوسی» و برخی از شخصیت‌های معروف گنوسی، مسیحیت در ایران و ادیان آسیایی در روم پیش از مسیحیت، ارائه می‌کند.

۸. یکی از ابتکارات مؤلف، توجه جدی به برخی از آیین‌ها و ادیان فراموش شده و تأثیر آنها در سایر ادیان است. بیان اطلاعات تفصیلی درباره زروان و آیین‌های زروانی در ایران (ص ۵۶-۵۷)، توضیح درباره عقاید گنوسی و تأثیر آنها در مذاهب دیگر، بحث درباره آیین مزدک، حضور دین مسیحی در ایران از این قبیل است.

پی نوشت:

۱. یادآور می‌شویم که استاد بهار مشوق و راهنمای ترجمه کتاب ادیان شرقی در امپراتوری روم اثر فرانتس کومون بودند و هدف ایشان روشن ساختن تأثیر فرهنگ و اساطیر و ادیان شرقی بر غرب و اثبات تعامل میان اساطیر و ادیان شرقی و غربی بود. این اثر را ملیحه و پروانه عدم نیا ترجمه کردند و انتشارات سمت به چاپ رسانده است.

به ادیان دارای الهیات مدون و علم کلام مناسب بود (ص ۳۱۹). همچنین دو آلیسم ایرانی در عقاید یهود، گنوسی و مکتب نوافلاطونی تأثیر گذاشت (ص ۲۲۱). در ادامه، تأثیر تحولات اعتقادی آسیای غربی در چهار دین آسیای صغیر، سوریه، مصر و ایران و در نهایت تفکر دینی امپراتوری روم مطرح و تاریخ روم در سه قرن نخست میلادی، تاریخ نفوذ صلح آمیز شرق در غرب معرفی می‌شود (ص ۲۲۴). مباحثی چون تغییر ساختار جمهوری روم به امپراتوری تحت تأثیر عقاید شرق خصوصاً مصر، تأثیر قوانین شرق بر قوانین روم، ظهور ستاره شناسان، ادبا و معماران بزرگ شرقی در روم و از همه مهم‌تر تأثیر دیانت شرق بر روم، از دیگر مباحث این بخش است. به نظر نویسنده مسیحیت دینی شرقی است که بر اروپا مسلط شد (ص ۲۲۵). وی سپس دین الهه فریجیایی را نخستین دین شرقی معرفی می‌کند که در روم پذیرفته شد (ص ۲۳۱). نفوذ آیین‌های پرستش شرقی در روم، پرستش سیبل و آتیس، آیین پرستش الهه مادر (ص ۲۳۳-۲۲۴) و همچنین پرستش خدایان مصری از پیریس - آپیس در اروپا (ص ۲۳۸-۲۴۳)، هم قران بودن ادیان سوری در روم با نفوذ خدایانی نظیر الهه اترگتیس، آدونیس، بعل مرقوص، مرنه و میومه (ص ۲۴۶) شرح ویژگی‌های عقیدتی ادیان سوری (ص ۲۴۷-۲۵۱) و تشریح وضع ایران از زمان هخامنشی تا ظهور دولت ساسانی و ظهور وحدت دینی - دولتی در آن از مطالب دیگر این بخش است. سپس موقعیت ایران در غرب آسیا مطرح می‌شود و از تأثیرات آن بر این ناحیه و مصر و روم سخن می‌رود. به عقیده مؤلف در برخورد فرهنگ‌ها جدال و تلفیق دو روی یک سکه است و این امر درباره ایران و روم نیز صدق می‌کند (ص ۲۵۱). تأثیر ایران بر ساختارهای سیاسی - اجتماعی روم، ذوق هنری رومیان و همچنین تأثیر بر عقاید و باورهای آنان و گسترش مهرپرستی از ایران به آسیای صغیر و در نهایت اروپا مباحث پایانی این بخش را تشکیل می‌دهد.

یکی از بخش‌های خواندنی کتاب همین بخش است که تأثیرات تمدن و دین شرقی را بر اروپا به دقت مطرح می‌سازد. مقوله‌ای که اهتمام اندیشمندی چون استاد بهار را می‌طلبد تا به چشم تیزبین این تأثیرات را ببیند و واگوید.

ویژگی‌های اثر:

۱. به عقیده نگارنده، مهم‌ترین ویژگی اثر، نگرش تطبیقی مؤلف به اساطیر و ادیان هند و اروپایی و بومیان آسیای غربی است. اگر یکی از اهداف و مقاصد مطالعه تطبیقی ادیان، آشکار ساختن داد و ستد و تعامل میان ادیان مختلف باشد، ادیان آسیایی در تقرب به این هدف موفق بوده است. این نگرش و نظریه، تفسیر و توضیح و مقایسه پدیده‌های دینی در قلمرو ادیان آسیای غربی و هند و اروپایی را بسیار تسهیل و معنادار می‌سازد. مقایسه‌ای این اثر و برخی آثار دیگر ترجمه‌ای یا تالیفی در باب ادیان، نوآوری نویسنده را آشکار می‌سازد. تطبیق داستان اینانا و دُموزی با داستان راماینه در فرهنگ هندی، مرگ سیاوش و نقش سودابه، بعل و انث در متون کنعانی ایزیس و ازیریس در اساطیر مصری و داستان سیاوش و کیخسرو، حاصل این نظریه است.